

اندیشکده دانشگاه ایرانی
سیاست پژوهی اشتغال فارغ التحصیلان
علوم انسانی

به کوشش
اباذر اشتری مهرجردی



پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی
وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
(همفیات)



اندیشکده دانشگاه ایرانی سیاست پژوهی اشتغال فارغ التحصیلان علوم انسانی

به کوشش اباذر اشتری مهرجردی (عضو هیئت علمی پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی)

ناشر: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی

ویراستار: فرهاد سلیمان نژاد

طراح جلد و صفحه آرا: علی قربی

تاریخ انتشار: پاییز ۱۴۰۲

مجموعه بازسازی آموزش عالی / ۵

نشانی: تهران، خیابان پاسداران، خیابان شهید مؤمن نژاد (گلستان یکم)، شماره ۱۲۴. تلفن: ۲۲۵۷۰۷۷۷

پست الکترونیکی: publication@iscs.ac.ir

وبسایت: www.iscs.ac.ir

فهرست

دبیاچه پژوهشگاه	۷
مقدمه	۱۱
منطق جذب دانشجوی و اشتغال در حوزه علوم انسانی / علی اکبر قیومی و ابذر اشتری مهرجردی.	۱۷
معیارهای تعادل بخشی در جذب دانشجویان علوم انسانی / رضا غلامی.....	۳۹
پرسش از سودمندی علوم انسانی / ابوالحسن ریاضی.....	۵۱
علوم انسانی و پرسش از سودمندی اجتماعی بر بستر جامعه ایرانی / لیلا فلاحتی	۵۷
آیا دانشجویان علوم انسانی و اجتماعی وضعیت بگرنج تری از بقیه رشته ها در بحث کسب مهارت های زندگی و اشتغال دارند؟ / مهدی حسین زاده فرمی.....	۹۵
تیینی از رابطه علوم انسانی با مسئله اشتغال و اشتغال پذیری؛ منطق چندمعیاره پذیرش دانشجوی / رضا مهدی.....	۱۰۷
مسئله جامعه، علوم انسانی و اشتغال: مسئله مند کردن بیکاری فارغ التحصیلان علوم انسانی / ابذر اشتری مهرجردی	۱۲۱
جنسیت و سلسله مراتب رشته ای و حرفه ای / خدیجه کشاورز.....	۱۳۱
واکاوی وضعیت جذب و اشتغال دانشجویان رشته های زبان های خارجی / عبدالله کریم زاده.....	۱۴۹
جذب دانشجوی تحصیلات تکمیلی و بازار اشتغال در رشته های علم اطلاعات و علوم ارتباطات اجتماعی / صدرا خسروی	۱۵۵
نمایه	۱۷۳

مقدمه

علوم انسانی، بنیاد توسعه و تعالی

علوم انسانی، با هر تعبیر و تعریفی که از آن داشته باشیم، بنیاد بنای توسعه و تعالی است، چه در ابعاد فردی و چه در اندازه‌های عمومی و اجتماعی؛ چراکه اولاً بخش عمده‌ای از علوم انسانی ناظر به «درونیات آدمی» و معلوماتی است که مستقیماً بر توسعه فردی یا، به بیان بهتر، کیفیت زندگی آدمی اثرگذار است، همانند آنچه که در ادبیات و روان‌شناسی و فلسفه، از آن‌ها گفت‌وگو می‌شود.

از سوی دیگر، توسعه اقتصاد و فناوری، که به نوبه خود ریشه در علوم طبیعی و تجربی دارد، محصول تحولات در اندیشه‌ها، ارزش‌ها و آرمان‌ها است که موضوعاتی برای مطالعات علوم انسانی محسوب می‌شوند. به بیان دیگر و به گواهی تاریخ علم، تحولات در حوزه معارف انسانی و اجتماعی، مقدمه‌ای بر تحول و تغییر در علوم طبیعی و فنی بوده است؛ چنان‌چه فی‌المثل در دوران شکل‌گیری و شکوفایی تمدن اسلامی و یا در رنسانس قابل ملاحظه است.

اگر از این دو منظر، یعنی تأثیرگذاری بر درونیات آدمی و عاملیت در تحولات و توسعه اجتماعی، به کارکرد علوم انسانی در حیات فردی و اجتماعی بنگریم،

ضرورت و اهمیت حیاتی و حساس این حوزه از معارف بشری را بیشتر و بهتر متوجه خواهیم شد.

«ایران فرهنگی»، پایگاه تاریخی معارف انسانی

ایران فرهنگی از گاهواره‌های علوم انسانی در تاریخ بشری است. سابقه تفکر فلسفی و اندیشه‌ورزی اجتماعی در ایران به دوران باستان برمی‌گردد و ایران در رشته‌هایی از علوم انسانی، نظیر فلسفه، ادبیات، تاریخ، معرفت‌الذات و غیره، صاحب سبک و دارای پیشینه طولانی و اثرگذار در تاریخ علم بوده است. علاوه بر این، در بخش‌هایی دیگر از علوم انسانی امروزی (مدرن) نیز، در شمار نخستین ممالکی قرار دارد که به آن‌ها پرداخته و تحت تأثیر آن‌ها قرار گرفته است.

ایران، از جهت جغرافیایی، در شاهراهی قرار گرفته است که شرق و غرب عالم بشری را به یکدیگر متصل می‌سازد و همین امر باعث طرح اندیشه‌های گوناگون و ادیان مختلف و زمینه‌ساز مطرح شدن مباحث «میان‌فرهنگی» در ایران بوده است. منظور آن‌که صبغه فرهنگی و سابقه تاریخی و بنیادها و بسترهای گفتمانی ایجادشده در ایران، همراه با آموزه‌های اسلامی و میراث معنوی تشیع، که در آن دیانت (قرآن و شریعت)، فلسفه (خردورزی و تعقل) و عرفان (طریقت و تصوف) به نوعی وحدت متعالی و بی‌مانند دست می‌یابند، زمینه‌های لازم برای طرحی نو از معارف انسانی متعالی و تبدیل ایران به یکی از قطب‌های اثرگذار علوم انسانی در ابعاد بین‌المللی را، مشروط بر سامان‌دهی و سیاست‌گذاری مناسب و متناسب، فراهم آورده است.

علوم انسانی، قدرت‌افزا و ثروت‌آفرین

ارجمندی و ارزشمندی علوم انسانی زمانی آشکارتر می‌شود که بدانیم در دنیای مبتنی بر دانش و نوآوری، علوم انسانی منبع تولید توأمان قدرت و ثروت محسوب

می‌شود. در حال حاضر، قدرت و ثروت تابع مستقیمی از توانایی تولید محتوای فکری و فرهنگی هستند که آشکارا در علوم انسانی و هنر ریشه دارد. تولیدات فرهنگی و رسانه‌ای بخش بزرگی از مؤلفه قدرت در کشورهای ثروتمند امروزی را شکل می‌دهند. رسانه‌ها و بنگاه‌های فرهنگی، که در رده فناوری‌های نرم یا صنایع فرهنگی قرار می‌گیرند، کارکرد دوگانه سیاسی و اقتصادی دارند و به همین علت، نبرد فرهنگی یا گفتمانی با جدال‌های اقتصادی و سیاسی، در یکدیگر ادغام شده‌اند. بر اساس این استدلال، تلاش برای رفع موانع و توسعه علوم انسانی در کشور، مستقیماً در راستای تقویت هژمونی و اقتدار و امنیت ملی، از یک سو، و ارزش آفرینی اقتصادی، از سوی دیگر، قلمداد می‌شود که نیاز امروز و هر روز ایران اسلامی به حساب می‌آید.

علوم انسانی و ایران امروز

بدون آن که در مقام مقایسه اوضاع عمومی علوم انسانی در ایران با دیگر کشورها باشیم و یا حتی نظام آموزشی علوم انسانی را با دیگر شاخه‌ها و شعبه‌های علم در ایران قیاس کنیم، باید به نابه‌سامانی وضعیت علوم انسانی در کشور معترف بود. ساختار آموزش و انتقال علوم انسانی در ایران درگیر و دچار معضلات پیچیده و چندگانه‌ای است که انتقال و تولید علم را دستخوش مانع و محدودیت می‌کند و کمابیش مورد اتفاق فعالان این صحنه است. عدم تناسب و ناکارآمدی سرفصل‌های آموزشی، عمق، اثربخشی و کیفیت آموزش‌ها، اشتغال متناسب فارغ‌التحصیلان در مشاغل مرتبط، به بازی نگرفتن علما و سرآمدان علوم انسانی و اجتماعی در مناصب مشاوره‌ای و ترسیم سیاست‌های کلی کشور، اعتبارات اندک حوزه‌های پژوهش و پژوهشگاه‌های علوم انسانی، سیاست‌های موازی، نامتوازن و حتی متناقض توسعه علوم انسانی در کشور، مراکز متعدد سیاست‌گذار و اثرگذار بر مسیر توسعه این علوم و حتی

چالش‌های معرفتی در اهمیت و ضرورت علوم انسانی و مخالفت برخی از مدعیان با اساس و اصول معارف اجتماعی و مسائل خرد و کلانی از این دست، از جمله مشکلات حاد و حساس علوم انسانی در ایران است که اوضاع رنجور امروز آن را باعث شده است.

نکته بسیار مهم دیگری که در نگاهی عمومی به این حوزه خود را نشان می‌دهد، نوعی «دوگانگی» عمیق و اثرگذار بین آموزه‌های تاریخی و سنتی و علوم مدرن است. در ایران کنونی، علاوه بر علوم انسانی دانشگاهی و امروزی، حوزه‌های سنتی نیز در بخش علوم انسانی در کشور فعال هستند و شاید بتوان همین «دوگانگی» را ویژگی اصلی چهره این حوزه از علوم در ایران دانست. دوگانگی موجود را اگر به‌عنوان بستری برای گفت‌وگوی عمیق و عالمانه بدانیم، یک فرصت خواهد بود و اگر مجالی برای جدال و تخاصم قلمداد شود، به تضعیف جایگاه علوم انسانی در کشور کمک خواهد کرد.

اشتغال، دغدغه‌ای فرهنگی و اقتصادی

اشتغال و برخورداری از شغل مناسب و متناسب مسئله‌ای جدی در حوزه اقتصادی و فرهنگی و اجتماعی محسوب می‌شود. نابه‌سامانی در حوزه اشتغال، علاوه بر تبعات اقتصادی، آثار فرهنگی و روانی نیز به همراه خواهد داشت. با وجود این و علی‌رغم اهمیت این موضوع و با وجود کارکردهای چندگانه و حساس علوم انسانی، آموزش، پژوهشگری و فعالیت در این بخش دچار مسائل خاص و نارسایی‌هایی نگران‌کننده‌ای است که از جمله آن‌ها می‌توان به اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی به‌طور عام و اشتغال فارغ‌التحصیلان علوم انسانی به‌طور خاص اشاره کرد. اشتغال از جمله معضلات مزمن و کلیدواژه‌های پرتکرار در آموزش عالی کشور محسوب می‌شود که در قالب گفتارهایی که رویاروی شما قرار دارد، از منظر گوناگون به آن پرداخته شده است.

مجموعه‌ای که رویاروی مخاطبان محترم قرار گرفته است، حاصل پژوهشگری و اندیشه‌ورزیِ گروهی از اساتید و با همکاری دانشجویان جامعه‌شناسی است که طی آن، موضوع مهم اشتغال دانش‌آموختگان علوم انسانی، از جهات مختلف و متفاوت، در قالب نه گفتار مورد تحقیق و تفحص کارشناسی قرار گرفته است.

مهم‌ترین موضوعات و مسائلی که در قالب گفتارهای نه‌گانه این کتاب به آن‌ها پرداخته شده است را می‌توان در مواردی همچون تحلیل انتقادی و آسیب‌شناسانه از نوع و نظام جذب و پذیرش، تحلیل جنسیتی و تفکیک زیرگروه‌های علوم انسانی، بررسی سهم رشته‌های علوم انسانی از بازار کار و ظرفیت‌های اشتغال‌پذیری این گروه از رشته‌ها، بررسی ضرورت، سودمندی و اثرگذاری علوم انسانی، کارآمدی و نقش‌آفرینی در کیفیت مشاغل و سطح توسعه‌یافتگی منطقه‌ای و موضوعات متنوعی از این خانواده دانست.

تنوع مطالب و گستره موضوعات مطرح‌شده و روش تحلیلی و ادبیات فنی و پژوهشی مورد استفاده در این اثر، می‌تواند برای پژوهشگران، سیاست‌گذاران و دیگر علاقه‌مندان این حوزه، مرجعی مستند و درس‌آموز به حساب آید و مبنای تحقیقات مفصل‌تر بعدی در هر یک از زیرمجموعه‌های مطرح‌شده در کتاب قرار گیرد. علاوه بر این، از آن‌جا که هر کدام از فصول کتاب حاضر در قالب یک طرح کلی، اما توسط گروهی مستقل، تحقیق و تدوین شده است، شاهد نوعی تکثر منظر و تعدد نگاه هستیم که اگرچه کلیت واحدی را دنبال می‌کند، اما همین تنوع نیز می‌تواند خواننده را برای نگاه فراگیر به موضوع محوری کتاب یاری دهد.

یکی دیگر از ویژگی‌های مجموعه گفتارهای حاضر در این کتاب این است که در پایان این اثر، سعی شده است برپایه گفتارهای گردآوری‌شده در این کتاب و ضمن هم‌فکری با صاحبان نوشتارها و برخی دیگر از محققان

پژوهشگاه، بسته‌ای منظم و منسجم به‌عنوان «خلاصه سیاستی» استخراج شود. در این قسمت، سعی شده است ضمن ارائه تصویری کلی و طرحی جامع از موضوع محوری کتاب، یعنی اشتغال دانش‌آموختگان علوم انسانی، پیشنهادهایی عینی و عملیاتی در سطح راهبرد یا استراتژی برای سامان یافتن نسبی مسائل این بخش پیشنهاد شود. طبیعتاً پیشنهادهای اجرایی مطرح‌شده در این بسته سیاستی، که به‌نوعی خلاصه و عصاره این اثر محسوب می‌شود، می‌تواند موضوع گفت‌وگوها و مباحث انتقادی بعدی قرار گیرد یا در قالب دیگر طرح‌ها، به استخراج راهکارهای عملی و عملیاتی کمک کند.

بارزترین ویژگی مجموعه حاضر را باید روشمندی آن و تلاشش برای نگاهی همه‌جانبه و فنی یا تخصصی (در برابر برداشت‌های سطحی و شعارگونه) به موضوع کار دانست؛ چراکه در این حوزه نیز، مانند بسیاری از دیگر جاها در حوزه پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی، با تابعی خطی و یک‌متغیره مواجه نیستیم، بلکه در برابر ما، تابعی چندانطباقه یا چندمؤلفه با چند متغیر متفاوت قرار دارد. نگاه جامع در چنین موارد و مواقعی اهمیت ویژه‌ای می‌یابد و اصولاً بدون اتخاذ این رهیافت، دستیابی به واقعیت‌های موضوع ممکن نخواهد بود. در این روش از تحقیق که از تخصص‌های مختلف و مرتبط استفاده می‌شود، تأثیرگذاری‌ها و تأثیرپذیری‌های یک متغیر به‌طور همزمان مورد تحلیل و توجه قرار می‌گیرد.

پژوهشگاه مطالعات فرهنگی، اجتماعی و تمدنی، در راستای اهداف خود و به‌منظور پرداخت نقادانه و تخصصی به یکی از چالش‌های آسیب‌زا پیرامون نظام آموزش عالی کشور، مجموعه پیش‌رو را به صاحب‌نظران و دیگر فعالان این حوزه تقدیم می‌کند. امید آن داریم که مباحث مطرح‌شده در این کتاب، به‌عنوان مقدمه‌ای برای مباحث عمیق‌تر و دقیق‌تر بعدی مورد استفاده کارشناسان و سیاست‌گذاران قرار گیرد.